العلماء مصابیح الارض، و خلفاء الانبیاء، و ورثتي و ورثة الانبیاء

عُلما چراغ‌های روی زمین‌اند و جانشینان پیامبران و وارثان من و وارثان پیامبران.

نیم نگاه

ضرورت واکاوی نقش علما در تاریخ تشیع

مدیر گروه انساب بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی گفت: واکاوی دیدگاه علما و طبقه‌بندی موضوعات پیش رو و پاسخ‌های ایشان، سیره‌ای را مشخص می‌کند که تاریخ تشیع است.

دکتر غلامرضا جلالی در گفت‌وگو با خبرگزاری حوزه علمیه خراسان با اشاره به اینکه سلوک آیت‌الله العظمی حسینی شاهرودی با کسانی که تفکر انقلابی داشتند می‌تواند موضوع کتاب مستقلی باشد، گفت: ورود ایشان به عراق و حضور فعالشان برای جلوگیری از جنگ بین ایران و عراق، مکاتباتی که با مراجع وقت خودشان داشتند، ارتباط‌شان با شخصیت‌هایی مثل مرحوم میلانی یا مرحوم امام و نقش‌آفرینی سیاسی و اجتماعی ایشان در آن زمان بسیار مهم است، زیرا همزمان بود با اوایل شروع نهضت انقلاب و تا اواخر عمرشان که نزدیک پیروزی انقلاب اسلامی است، ادامه داشت.

وی افزود: با توجه به اینکه امروز ابرچالش‌هایی مثل ورود به بحث‌های تمدنی مطرح شده و مناظرات، دیگر مربوط به داخل کشور یا جهان اسلام نیست و حوزه مناقشات بزرگان دین رو به گسترش گذاشته، اهمیت این همایش‌ها برای هویت‌سازی بیشتر روشن می‌شود.

جلالی تأکید کرد: در این همایش‌ها باید نحوه ارائه مطالب به‌صورتی پیش برده شود که به تاریخ حوزه و نقش آفرینی آن در عرصه‌های مختلف دقت شود و صرفاً تجلیل نباشد، بلکه تجلیل از نقش علما در خلال تاریخ باشد.

وی با اشاره به اینکه نگاه تمدنی نیز بسیار ضروری است، گفت: باید لایه‌هایی از فهم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بزرگان علما را در مقطع خاصی از زندگی ایشان بررسی کنیم که نوعی واکاوی دیدگاه علما و طبقه‌بندی موضوعات پیش رو و پاسخ‌های ایشان در آن زمان است؛ اگر این پاسخ‌ها کنار هم چیده شود، سیره‌ای را مشخص می‌کند که تاریخ تشیع است.

وی با بیان اینکه طلابی که می‌خواهند تحت تأثیر بزرگان باشند و فرهنگ حاکم بر حوزه را اشاعه دهند، باید به همه جنبه‌ها نگاه کنند و تک‌بعدی نیندیشند، اظهار کرد: اگر می‌خواهند با هویت و زی طلبگی آشنا شوند یکی از راه‌های آن شناخت سلوک بزرگان حوزه است که برگزاری بزرگداشت یکی از مسیرهای لازم در این زمینه است، زیرا مربوط به علمایی است که مرحوم شده‌اند و دیگر به ایشان دسترسی نداریم.

مدیر گروه انساب بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی ادامه داد: اگر در حوزه علمیه برش تاریخی ایجاد شود و سلوک اخلاقی و علمی، روش‌شناسی و سیره از جهات مختلف ادامه نیابد، به‌ضرر کل حوزه است و نمی‌تواند در طول زمان یکدست‌بودن خود را حفظ کند و در نتیجه نمی‌تواند روی سیره اخلاقی و علمی طلاب رشته‌های دینی تأثیرگذار باشد.

وی با بیان اینکه این برش‌ها سبب استمرار نیافتن تلقی نهادی از حوزه علمیه می‌شود، زیرا نهاد حوزه نهاد متولی تمدنی است، ادامه داد: ارزش نهاد حوزه به اندازه‌ای است که روشنفکرانی مثل صاحب فرهنگ معین یا علامه دهخدا، وقتی سراغ شخصیت‌های حوزوی مثل شیخ اشراق و ملاصدرا می‌روند، اذعان می‌کنند حوزویان تنها علوم اسلامی را به نسل حاضر منتقل نکرده، بلکه علوم ایرانیان کهن را به آیندگان منتقل کرده‌اند. حتی زرتشتیان وام‌دار حوزویان هستند، چون جامعیت نگاه حوزویان سبب شده حاملان علوم ملت‌های مختلف باشند.

برگی از تاریخ

نخستین کسی که فتوا به قتل احمد کسروی داد

نقل است حجت‌الاسلام معین الغربایی نیشابوری گفته بودند: «شهید نواب صفوی مکرر به ما می‌گفت من مقلد آیت‌الله شاهرودی هستم.

من که برای کشتن کسروی با مرحوم نواب همکاری داشتم، در این باره به شک افتادم و شهید نواب صفوی به من گفت من به دستور آیت‌الله شاهرودی برای این کار به ایران آمده‌ام»(۱)؛ از مرحوم آیت‌الله شیخ محمدرضا بخارایی نقل است: «هنگامی که در نجف اشرف برای نخستین بار با مرحوم نواب صفوی برخورد کردم، آثار خوبی و بزرگواری را در چهره او مشاهده نمودم و او را جوانی متدین و شجاع و با اخلاص یافتم. به همین دلیل او را به مدرسه بخارایی نجف اشرف آوردم و حجره خودم را به او دادم و پیوسته مراقب او بودم، به گونه ای که محرم اسرار او شدم و در همه امور با من مشورت می‌کرد و از من کسب تکلیف می‌نمود. او به‌گونه‌ای بود که اگر نسبت به چیزی احساس وظیفه شرعی می‌کرد حتماً باید آن را انجام می‌داد. روزی مرحوم نواب صفوی نزد من آمد و اظهار کرد احمد کسروی در ایران حرف‌هایی زده، من چه وظیفه‌ای نسبت به او دارم؟ من هیچ پاسخی به او ندادم، چون می‌دانستم اگر چیزی به او بگویم به طور حتم آن را انجام خواهد داد. مدتی گذشت و دائم همین سؤال را از من داشت. من نزد مرحوم آیت‌الله العظمی سید محمود شاهرودی و آیت‌الله امینی رفتم و در این مورد با آنان صحبت کردم. نواب صفوی معتقد بود باید فتوایی بر قتل وجود داشته باشد تا او اقدامی بنماید و مقید بود بدون وجود فتوا نباید کاری را انجام دهد. پس نخستین کسی که فتوا به قتل احمد کسروی دادند، مرحوم آیت‌الله العظمی سید محمود شاهرودی بودند. من مرحوم نواب را نزد آیت‌الله امینی فرستادم و او هر روز نزد آیت‌الله امینی می‌رفت و ایشان مرحوم نواب را برای ترور کسروی آماده کردند. بعد مرحوم نواب با این زمینه‌سازی‌ها و همچنین با فتوای مرحوم آیت‌الله العظمی سید محمود شاهرودی مبنی بر قتل کسروی به ایران آمد و جمعیت فداییان اسلام را تشکیل داد.

(۱) زندگی و مبارزات آیت‌الله العظمی سید محمود حسینی شاهرودی به روایت اسناد، ص ۵۱.

دیدگاه

فقیهان برجسته شیعه راهنمای مسیر تمدن نوین اسلامی

محمد خانی، مدیر امور مدارس حوزه علمیه خراسان | «تجلیل از بزرگان دین، تجلیل از معارف الهی و کاری لازم برای کشور است»؛ این جمله‌ای است که رهبر معظم انقلاب در دیدار با دست‌اندرکاران کنگره ملی بزرگداشت آیت‌الله هادی تألهی که چندی پیش برگزار شد بیان فرمودند.

این فرمایش که با دو دلیل مهم و کاربردی مدلل شده از زوایای مختلف مورد بررسی، تحلیل و قابل توجه است.

۱. توصیه ایشان مبنی بر تجلیل بزرگان دین مبتنی بر اندیشه‌های بلند و عمیق دینی است که از سوی پیشوایان دین توصیه به قدرشناسی و تکریم از صاحبان حق و نعمت شده است.

۲. ایشان تجلیل و تکریم بزرگان دین را تجلیل از دین، اخلاق، عرفان، معنویت و حقیقت برمی‌شمارد و می‌فرمایند: تجلیل از این بزرگواران [بزرگان دین]، تجلیل از دین و اخلاق و عرفان و معنویت و حقیقت است.

دین، اخلاق، عرفان، معنویت و حقیقت هر کدام به طور جداگانه سرفصل بزرگی از معارف الهی و واقعیت علوم را تشکیل می‌دهند که نیاز است اندیشمندان و صاحبان قلم موضوع تجلیل و تکریم علما و بزرگان را با رویکردهای فوق مورد بررسی و مطالعه قرار دهند.

۳. ایشان برگزاری تکریم و تجلیل از علما را کاری لازم برای کشور می‌دانند و می‌فرمایند: «هر چه از این‌ها [بزرگان دین] تجلیل کنید واقعاً از آن معارف حقیقی الهی تجلیل کردید که برای کشور لازم است».

بیان این نکته از سوی بالاترین مقام کشور و به عنوان الگو و رهبر جامعه دینی و اسلامی حائز نکات مهم و ضروری است که متولیان امر باید با برنامه‌ریزی‌های دقیق نسبت به این مهم همت گمارند.

۴. رهبر معظم انقلاب دلیل تکریم و تجلیل از علما را دو امر بیان می‌کنند: الف) برای در معرض استفاده قرار دادن این ذخایر معنوی. ب) برای نشر معارف تربیت جوان‌ها و نوجوان‌ها در این صراط مستقیم.

ایشان وجود چنین شخصیت‌ها و سرمایه‌هایی را به عنوان «ذخایر معنوی» معرفی می‌کنند که باید در معرض استفاده جامعه قرار گیرند.

ذخایر عظیم علمی، فرهنگی، معنوی که با پیاده‌سازی آموزه‌های وحیانی در وجود خود سبک زندگی عالمانه و معنوی را از خود به جای گذاشتند.

سبک و سیره پاک و بی آلایش زندگی علما و بزرگان دین در دوره معاصر که با انواع و اقسام عناصر مطلوب و نامطلوب همراه است جلو هرگونه عذر و بهانه‌ای را برای بهانه‌گیری افراد مختلف می‌گیرد تا خداوند متعال حجت و دلیل خود را در قیامت برای انسان‌ها ظاهر سازد.

در معرض استفاده قرار دادن آن‌ها نیازمند دو کار محتوایی و رسانه‌ای و هنری است که رسالت و وظیفه بخش نخست بر عهده متولیان فرهنگی است و بخش دوم بر عهده متولیان امر هنر، رسانه و فضای مجازی. دلیل دوم تجلیل‌ها نشر معارف و تربیت نوجوانان و جوانان است تا با الگوگیری از این افراد راه سعادت و خوشبختی را طی نمایند.

نشر معارف الهی و دینی با معرفی و تبیین ابعاد مختلف چهره‌ها و الگوهای ممتاز به عنوان مجسمه‌های دین و معنویت و فرهنگ نکته مهم دیگری است که رهبر معظم انقلاب بر آن تأکید دارند.

دنیای کنونی به‌ویژه دنیای جوانان و نوجوانان که با انواع آسیب‌ها روبه‌رو است بیش از هر زمان دیگری برای الگوگیری در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی به چنین اسوه‌هایی نیازمند است.

۵. ایشان در بخش دیگری درباره فواید برگزاری نکوداشت‌ها می‌فرمایند: «در بزرگداشت شخصیت‌های یک شهر یا یک استان، دو فایده حاصل می‌شود؛ یکی معرفی آن شخصیت و دیگری معرفی آن شهر یا آن استان یا آن منطقه».

پیرو این فرمایش ناگفته پیداست گذشته از معرفی شخصیت مورد نکوداشت، برگزاری بزرگداشت‌ها ظرفیت‌های فرهنگی، علمی و اجتماعی آن دیار را معرفی نموده و موجب اعتباربخشی آن منطقه و هویت‌بخشی به مردم به‌ویژه جوانان می‌شود که این نیز دلیل و توجیه دیگری بر اهمیت موضوع است.

۶. نکته حائز اهمیت دیگر، نقش علما و بزرگان در ایجاد «تمدن نوین اسلامی» است که از سوی رهبر معظم انقلاب مطرح شد.

ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «در تمدن اسلامی [اگر] شما نگاه کنید، می‌بینید اوج تمدن اسلامی در قرن‌های چهارم و پنجم است که از لحاظ علمی سرآمد است و بزرگان علما، محققین، فلاسفه و دانشمندان مادی در دنیای اسلام به وجود آمدند که دنیا را توانستند پیش ببرند که بسیاری از این پیشرفت‌های امروز غربی‌ها مرهون آن حرکت است».

حامیان و مجریان جدی تئوری تمدن نوین اسلامی که به عنوان بزرگ‌ترین تئوری پس از انقلاب اسلامی از سوی رهبر معظم انقلاب مطرح شد علمایی هستند که سیره آن‌ها برای ما حامل پیام‌های مهم تاریخی، تمدنی، فرهنگی و... است.

برگزاری نکوداشت علما و بزرگان دین بستری است برای پیوند تاریخ گذشته با آینده و نیز تحقق تمدن نوین اسلامی.

مرحوم آیت‌الله العظمی سید محمود حسینی شاهرودی یکی از استوانه‌های علم و اخلاق است که در دنیای معاصر با الهام از آموزه‌های دینی و قرآنی قریب به یک قرن زندگی زاهدانه و عالمانه داشته است.

حقیر که چند روزی است توفیق تشرف به محضر علما و بزرگان حوزه علمیه مشهد را برای استفاده از ارشادهای ایشان برای برگزاری همایش ملی نکوداشت آیت‌الله العظمی حسینی شاهرودی یافته‌ام همگی بر دو نکته مهم زندگی عالمانه و زاهدانه ایشان در بالاترین سطح تأکید داشتند.

سخت‌کوشی ایشان همراه با زندگی فقیرانه و زاهدانه و احتیاط‌های بسیار ظریف و دقیق در زندگی روزمره و جاری خویش و نیز تلاش‌های مجدانه علمی و اجتهاد ایشان در بالاترین سطح ممکن به‌گونه‌ای بوده که مرحوم میرزای نائینی آن ابرمرد تاریخ علم و تقوا، شهادت ایشان بر اجتهاد یک نفر را دو شهادت محسوب نموده به‌گونه‌ای که در اثر همین امتیاز، ایشان ملقب به لقب پر افتخار «ذوالشهادتین» می‌شود.

در اهمیت و جایگاه بزرگ زندگی پاک و قدسی ایشان همین بس که امام خمینی(ره) درباره ایشان می‌فرماید: آیت‌الله شاهرودی قریب به یک قرن لباس تقوا و قداست به تن داشت و در این مدت زندگی‌اش هیچ نقطه ابهامی وجود نداشت.

درباره جایگاه علمی و اجتهادی ایشان نیز که هم‌عصر با آیت‌الله بروجردی بوده است مقام معظم رهبری می‌فرمایند: من در سنین جوانی به تبع از خصیصین علمای خراسان مبنی بر اعلمیت آقای شاهرودی از ایشان تقلید می‌کردم.

حال که زندگی غالب مردم به‌ویژه طلاب و روحانیون با مشکلات و آسیب‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جدی روبه‌روست سزاوار است با برگزاری همایش و نکوداشت، ستارگان علم و فضیلت که با استفاده از همین ابزارها و ظرفیت‌های کنونی و زندگی در همین دوران و در شرایطی بسیار سخت‌تر و طاقت‌فرساتر از این زمان، پله‌های ترقی را طی نموده و به مراحل بالای کمال رسیده‌اند به عموم جامعه به‌ویژه طلاب و روحانیون جوان معرفی شوند تا به تعبیر رهبر معظم انقلاب زمینه الگوگیری از ایشان در همه ابعاد فراهم شود ان‌شاءالله.

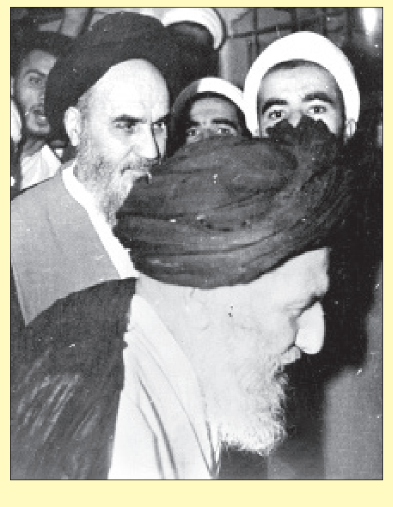

در همایش ملی نکوداشت آیت‌الله العظمی سیدمحمود حسینی شاهرودی

بر ضرورت توجه به شخصیت احیاگر مفاخر حوزه علمیه تأکید شد

الگوی هویت‌ساز

همایش ملی نکوداشت آیت‌الله العظمی حاج سیدمحمود حسینی شاهرودی پنجشنبه دوم دی ماه با حضور جمعی از علما، مسئولان حوزوی، استانی و کشوری و با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی در مدرسه علمیه عالی نواب برگزار شد.

■ تأسیس و تداوم جریان مرجعیت شیعه

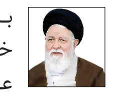

به گزارش خبرگزاری حوزه علمیه خراسان، آیت‌الله سیداحمد علم‌الهدی در این همایش ضمن تسلیت ایام شهادت حضرت زهرا(س) و تبیین نقش پایه‌ای مبارزات ایشان در مرزبانی از حریم ولایت و جلوه‌گری آن در عرصه فرهنگی، علمی و دینی امت مسلمان، ابراز کرد: اصلی که باید در شناخت مبانی سیره معصومین(ع) به آن توجه کنیم، تأسیس و تداوم جریان مرجعیت شیعه، از همان ابتدای مبارزات بود.

وی افزود: آن روزی که جریان عصمت و ولایت، در مقام تداوم مبارزات و مجاهدت‌های حضرت زهرا(س) استمرار پیدا کرد و آغاز شد، در میان امت اسلام معدودی ازافراد به ولایت امیرالمؤمنین(ع) شهادت می‌دادند و مجاهدت‌های پیگیرانه ایشان، مسئله ولایت را آنچنان تثبیت کرد که از ابتدا در کنار آن، یک جریان دیگری به وجود آمد که نقش نشر و نهادینه‌سازی سیره اهل بیت(ع) را برعهده داشت.

امام جمعه مشهد مقدس با بیان اینکه امروز تحت امامت و ولایت ولی عصر(عج) زندگی می‌کنیم و امامت اهل بیت(ع) برای ما ثابت است، گفت: علت این ثبات، وجود جریانی است که در کنار امامت و ولایت در آن دوران وجود داشت و آن، وجود ذوات مقدسه‌ای بود که هم در نشر معارف اهل بیت(ع) نقش داشتند و هم در نهادینه‌سازی آن.

آیت‌الله علم‌الهدی با اشاره به روایتی از امام صادق(ع) که ایشان، محمد بن مسلم، برید بن معاویه، لیث بن البختری المردای(ابوبصیر) و زراره بن اعین را اوتادالارض و اعلام‌الدین معرفی کرده بودند، گفت: اگر وجود این شخصیت‌ها در کنار ائمه(ع) نبود، امروز معارف ایشان برای ما به صورت یک جریان نهادینه و منبع شناخت وظایف و احکام دین، تثبیت نشده بود.

وی همچنین به روایت دیگری از امام صادق(ع) و گلایه ایشان از سوءاستفاده تأویل شخصی و مغرضانه برخی افراد از کلام اهل بیت(ع) اشاره و اظهار کرد: وجود مقدس ائمه(ع) به امنای خود اتکا داشتند و اگر این جریان در کنار ایشان در آن روز و پس از آن وجود نداشت، نه تنها اوامر و معارف مقام عصمت به ما نمی‌رسید بلکه افرادی بودند که این کلمات و معارف را آنچنان تأویل می‌کردند که به صورت منحرف شده یا به عکس، به دست مردمان آینده برسد.

عضو شورای عالی حوزه علمیه خراسان با اشاره به روایت «اَمَّا الْحَوادِثُ الْواقِعَةُ فَارْجِعوُا فیها اِلی رُواةِ حَدیثِنا، فَاِنَّهُمْ حُجَّتی عَلَیْکُمْ وَاَنَا حُجَّةُ اللّهِ عَلَیْهِمْ» و بابیان اینکه اصطلاح مرجعیت توسط خود بقیه‌الله مطرح شده است، گفت: جریان اوتادالارض و اعلام‌الدین که در زمان امام باقر و امام صادق(ع) وجود داشت، وقتی منتهی به دوران غیبت شد، به وسیله امام زمان(عج) در میان شیعه به عنوان مرجعیت تثبیت شد.

آیت‌الله علم‌الهدی با تصریح بر این مطلب که مقصود از رواة، کسانی نیستند که فقط نقل حدیث می‌کنند بلکه منظور متفقّان در احادیث هستند، توضیح داد: حوادث، رویدادهای تازه و بی‌سابقه‌ای هستند و مسلماً حکم آن‌ها صراحتاً در کلام ائمه(ع) بیان نشده و کار استخراج نظر معصوم از دل روایات و احادیث، مربوط به آن شخصی است که متفقه در حدیث است و اوست که می‌تواند این حوادث را استنباط و استخراج کند.

وی در پاسخ به این پرسش که «چرا لفظ فقها در روایت امام زمان(عج) نیامده و ایشان تعبیر به روات کرده‌اند؟» ابراز کرد: ایشان در واقع خواستند در این تعبیر به شیعه و جریان فقاهت جهت بدهند، زیرا ممکن بود زمانی عنوان فقیه به افرادی که در جریان اهل بیت(ع) نیستند و فقط با برخی سنجش‌های اجتماعی فتوا و حکم می‌دهند، نسبت داده شود.

نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: یکی از امتیازاتی که اساتید ما و علمای بزرگ آن روز مشهد در محافل طلبگی و برای ارزیابی مراجع لحاظ می‌کردند، این بود که آرای کدام مرجع، استناد بیشتری به روایات و احادیث دارد و کمتر مبتنی بر قواعد است؛ بر این اساس، آیت‌الله العظمی شاهرودی صاحب امتیاز بودند و پس از رحلت آیت‌الله العظمی بروجردی، عموماً در مشهد به ایشان رجوع کردند.

آیت‌الله علم‌الهدی افزود: در مطرح کردن مسئله شهادت نواب و فداییان اسلام از سوی آیت‌الله العظمی شاهرودی و موضع‌گیری و اظهار تأثرشان، باید به اقتضائات سنی ایشان، شرایط اجتماعی، خفقان عجیب دوران ستمشاهی و تحجر فوق‌العاده سنگین در نجف و نیز نحوه انتقال اخبار توجه داشت.

عضو مجلس خبرگان رهبری در پایان ابراز کرد: ایشان تنها کسی بودند که چنین مسئله‌ای را در آن دوران مطرح و موضع‌گیری قاطعی داشتند، در حالی که هنوز انقلاب آغاز نشده بود و این، فکر نو و بینش خاص و اجتماعی و انقلابی ایشان را در کنار زهد و تقوا اثبات می‌کند.

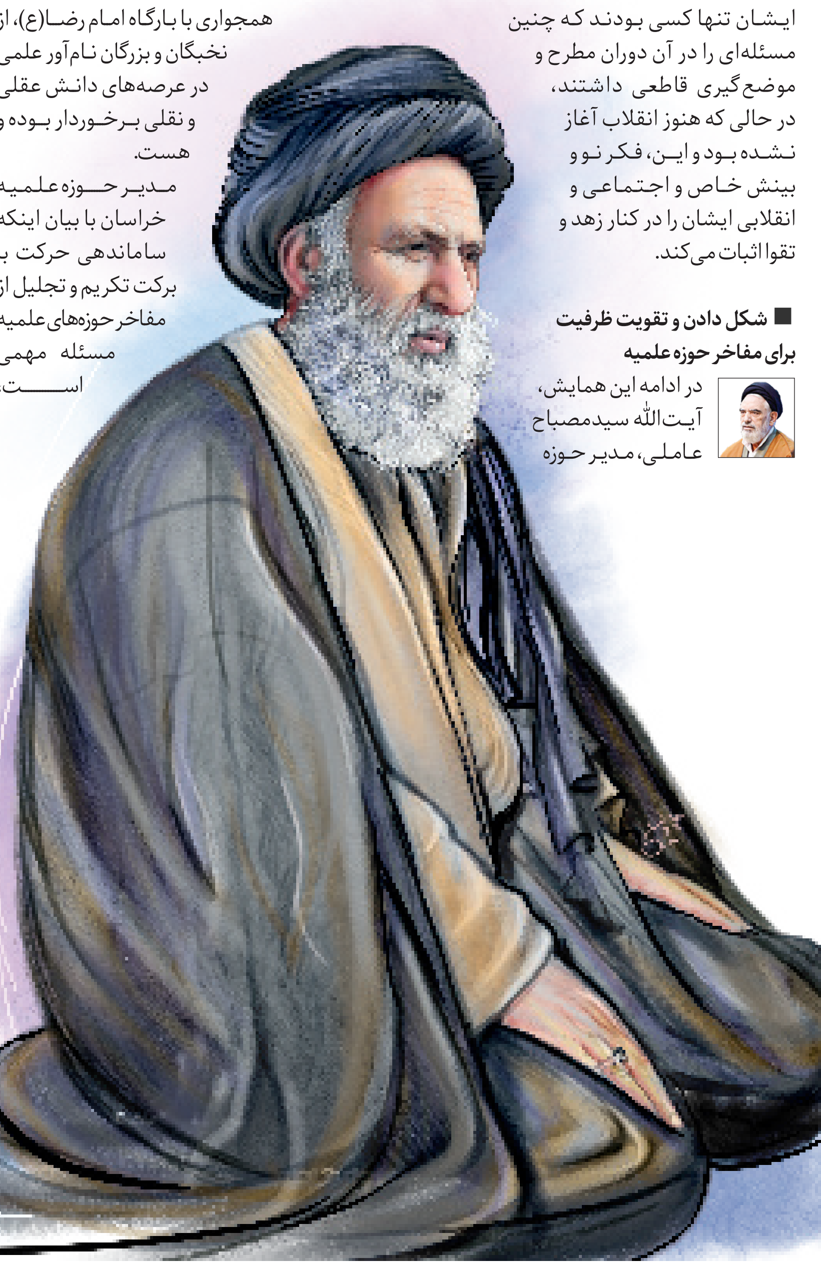

■ شکل دادن و تقویت ظرفیت برای مفاخر حوزه علمیه

در ادامه این همایش، آیت‌الله سیدمصباح عاملی، مدیر حوزه علمیه خراسان گفت: حوزه کهن خراسان به برکت همجواری با بارگاه امام رضا(ع)، از نخبگان و بزرگان نام‌آور علمی در عرصه‌های دانش عقلی و نقلی برخوردار بوده و هست.

مدیر حوزه علمیه خراسان با بیان اینکه ساماندهی حرکت با برکت تکریم و تجلیل از مفاخر حوزه‌های علمیه مسئله مهمی است، تصریح کرد: برای یک اقدام شایسته در این راستا و بهره‌مندی از ظرفیت‌ها به منظور اجرای شایسته و بایسته، به ساماندهی در قالب یک نظام‌سازی در رابطه با مسئله تجلیل و تقدیر از مفاخر نیاز داریم تا این‌گونه مراسم روزبه‌روز سازمان‌یافته‌تر، پربارتر، گسترده‌تر و باکیفیت بهتر برگزار شود.

مدیر حوزه علمیه خراسان در خصوص ساماندهی مراسم تجلیل از مفاخر تشریح کرد: نخستین مسئله، بحث نظام‌سازی هدفمند و کاربردی و در تراز مفاخر بزرگ است، یعنی حرکت ما نظام‌مند و هدفمند و کاربردی و در تراز مفاخر که اسوه و الگوی حرکت‌های علمی و عملی ما در طول تاریخ بوده و هستند، صورت گیرد و تشریفاتی نباشد.

عضو شورای عالی حوزه علمیه خراسان با بیان اینکه مفاخر یک تعریف ارزشمند و آموزنده دارد، ابراز کرد: شاخص‌های آن باید مورد توجه قرار گیرد تا بدانیم به چه کسی بگوییم جزو مفاخر است و از او به‌عنوان یک سرمایه بهره ببریم.

آیت‌الله عاملی با اشاره به تجلیل از مقام شامخ آیت‌الله حسینی شاهرودی به‌عنوان فقیهی وارسته و عالمی عامل که بحق از مفاخر نام‌آور جهان تشیع هستند، اظهار کرد: تعریف جامع از شاخص‌های متعالی، چهار مؤلفه دانشی، بینشی، ارزشی و روشی است که در شخصیت مفاخر باید تجلی پیدا کند و بروز و ظهور روشن داشته باشد.

مدیر حوزه علمیه خراسان با اشاره به نکته سوم در برگزاری مراسم تجلیل از مفاخر یعنی توجه به ابعاد سازنده و احیاگر آنان، اظهار کرد: ابعاد مختلف زندگی شخصیتی که به‌عنوان مفاخر می‌تواند مطرح باشد برای ما درس‌آموز و مهم است.

عضو شورای عالی حوزه علمیه خراسان خاطرنشان کرد: توجه به برجستگی‌های علمی و روشی و آثار ماندگار پژوهشی و نیز اهتمام به ویژگی‌های عملی معطوف به سه رسالت «هدایت دینی»، «زعامت سیاسی» و «خدمت اجتماعی» باید در هر شخصیتی که جزو مفاخر است، تجلی داشته باشد.

آیت‌الله عاملی افزود: الگوی هویت‌ساز ماندگار با سبک زندگی و مشی مردمی، تشکیل یک حلقه علمی از زنجیره حرکت کامل اجتهادی روبه‌جلو، نوآورانه و پاسخگو و نیز تأسیس حلقه‌ای در زنجیره استمرار امامت و ولایت، معطوف به رسالت عدالت‌گستری و مبارزه مداوم و تاریخی با طاغوت‌ها و ایستادگی در برابر خودکامگی آنان بنا بر رسالت «ان العلما حصون الاسلام»، از دیگر نکات قابل توجه در ابعاد شخصیتی مفاخر دین است.

مدیر حوزه علمیه خراسان در پایان با بیان اینکه این همایش برای شخصیتی فاخر در همین چارچوب و با این ویژگی‌ها برگزار می‌شود، بر شکل دادن و تقویت ظرفیتی برای مفاخر حوزه علمیه و ارائه و دریافت نظرات در راستای بهبود حرکت با برکت یادشده تأکید کرد.

■ سیاست تجلیل از بزرگان را وظیفه خود می‌دانیم

محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی سخنران دیگر این همایش بود. وی در این مراسم، مهم‌ترین وجه در خطه خراسان را فقاهت و علمی برشمرد که این حوزه را به برکت وجود حضرت رضا(ع) به مرکز علم و فرهنگ تبدیل کرده است.

اسماعیلی به وضع علمی و فرهنگی و درخشش علما و بزرگان این عرصه‌ها در خراسان اشاره و خاطرنشان کرد: در ۲۰۰ سال اخیر جریان فقاهتی غالب شده و فقه سیاسی تشیع در اوج آن، حاکمیت سیاسی را هم بدست آورده که یکی از مهم‌ترین ستون‌های شکل‌گیری‌اش حوزه علمیه خراسان است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان اینکه بزرگانی که از این حوزه نقش‌آفرینی کرده‌اند، بسیارند، افزود: یکی از ایشان که به آموختن علم فقه و اصول در مشهد پرداخته آیت‌الله العظمی حسینی شاهرودی است.

اسماعیلی همچنین اظهار کرد: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وظیفه خود می‌داند در دولت مردمی و انقلابی، نمادهای مهم را در زمینه احیای هویت ایرانی اسلامی، ترویج کند و پاس بدارد.

وی ادامه داد: برای احیای فرهنگ ایرانی و اسلامی در برنامه تحولی وزارتخانه یک جایگاه مهم برای ترویج بزرگان در حوزه‌های مختلف پیش‌بینی شده است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به اینکه این وزارتخانه با همین رویکرد در کنگره نکوداشت آیت‌الله العظمی سید محمود حسینی شاهرودی حضور یافته، اعلام کرد این امر یکی از وظایف قطعی وزارت متبوعش است و وظیفه تسهیل‌گری دارد.

وی با اشاره به اینکه کار مهمی درباره برگزاری این همایش صورت گرفته و متفاوت از همایش‌هایی است که به صورت سنتی و معروف برگزار می‌شود، ابراز کرد: بخش مهمی از آثار آیت‌الله العظمی حسینی شاهرودی به چاپ رسیده و از نگاه‌های فرهنگی و هنری از قبیل چاپ رمان انجام شده است.

اسماعیلی گفت: از برکات ایشان همین بس که با گذشت حدود ۵۰ سال از تاریخ رحلت، همایشی با این عظمت در کشور برگزار شده و می‌شود.

وی به نقش سیاسی آیت‌الله العظمی حسینی شاهرودی در حمایت از فداییان اسلام و شخصیت مبارز شهید نواب و همچنین اعلام مرجعیت امام عظیم‌الشأن اشاره و آن را از مهم‌ترین نکات درخشان در کارنامه سیاسی عمر پربرکت این بزرگوار عنوان کرد.

زندگی‌نامه

ذوالشهادتین
شاگرد میرزای نائینی

آیت‌الله سید محمود حسینی شاهرودی(۱۳۵۳-۱۲۶۲ش) مرجع تقلید شیعه ساکن نجف و پدر سید محمد حسینی شاهرودی است.

این مرجع بزرگ شیعه در روستای قلعه آقا عبدالله از توابع شهر بسطام در خانواده‌ای اصیل و مذهبی قدم به عرصه گیتی نهاد و خواندن و نوشتن را در زادگاهش آموخت و پس از آن وارد حوزه علمیه بسطام شد. ایشان دروس سطح را در مشهد فراگرفت و در سال ۱۳۲۸ قمری عازم نجف شد تا نزد آخوند خراسانی، فقه و اصول بخواند.

ایشان از شاگردان برجسته میرزای نائینی و آقاضیاء عراقی بود و پس از سید ابوالحسن اصفهانی به مرجعیت رسید.

اعتماد میرزای نائینی به آیت‌الله شاهرودی به حدی بود که شاگردان را برای آزمون اجتهاد نزد ایشان می‌فرستاد و گواهی وی را به منزله دو شهادت به شمار می‌آورد؛ از این رو آیت‌الله شاهرودی در نجف به «ذوالشهادتین» مشهور شد. از جمله شاگردان نامداری که از محضر وی بهره بردند، می‌توان به حضرات آیات محمدتقی بهجت، شیخ محمدرحمتی سیرجانی، سید علی سیستانی، سیف الله جعفرزاده گیلانی، سید محمدحسین حسینی طهرانی، مسلم ملکوتی، شیخ محمد حسن محمدی بجنوردی، شیخ جواد تبریزی و... اشاره کرد. رهبر انقلاب در خصوص ایشان می فرمایند: «در دوران جوانیِ ما نام برجستگان علمی دینی شاهرود بر سر زبان‌ها بود؛ [از جمله] مرحوم آیت‌الله العظمی شاهرودی، مرجع تقلید، استاد مبرز حوزه نجف».

احداث مسجد، حسینیه و مدرسه علمیه در کابل و برخی شهرهای ایران، بازسازی مدارس علمیه بخارایی و قزوینی در نجف، تأسیس بعثه حج و اعتراض به حکومت پهلوی در واکنش به واقعه فیضیه از اقدامات سید محمود شاهرودی در دوره مرجعیتش بود. همچنین در دوره مرجعیت او پیاده‌روی از نجف به کربلا رونق گرفت.

آیت‌الله شاهرودی جزو معدود علمای نجف بود که همزمان با آغاز نهضت امام خمینی(ره) در سال ۴۲ از حامیان ایشان بود. مرکز اسناد انقلاب اسلامی کتابی را بر اساس اسناد ساواک درباره نقش ایشان در حمایت از نهضت مردمی انقلاب اسلامی نگاشته است.

مرحوم آیت‌الله شاهرودی در صبحگاهان هفدهم شعبان ۱۳۹۴ قمری در شهر نجف اشرف دیده از جهان فروبست و در حرم مطهر امیرالمؤمنین(ع) به خاک سپرده شد.

عکس‌نوشت

ثواب تاول

عکس: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

رواق | مرحوم آیت‌الله العظمی سیدمحمود شاهرودی در سفری به همراه حجت‌الاسلام والمسلمین سید باقر بادکوبه‌ای پیاده به سمت کربلا می‌رفتند. سختی مسیر و ناهمواری جاده سبب شده بود پای مبارک مرحوم آقا و همراهشان تاول بزند. یکی از تجار ایرانی که این حالت را مشاهده می‌کند، به مرحوم آقا می‌گوید: «هر اندازه پول بخواهید به شما تقدیم می‌کنم تا در مقابل، ثواب یک تاول را به من بفروشید». مرحوم آقا به این معامله راضی نمی‌شود و آن شخص تاجر اصرار فراوان می‌کند، ولی مرحوم آقا نمی‌پذیرد؛ آن تاجر ورشکسته از این معامله، به حرم امام حسین(ع) رفته و به حال گله و شکایت، قضیه را با حضرت در میان می‌گذارد. شبانگاهان در عالم رؤیا، به محضر امام حسین(ع) می‌رسد و به حضرت عرض می‌کند: «یابن رسول‌الله(ص)، مگر بهای یک تاول به چه اندازه است که آیت‌الله شاهرودی از فروش آن به بهای گزاف خودداری نمود»؛ حضرت سیدالشهدا(ع) با نگاهی پر از محبت به آن شخص فرمودند: «نزد برادرم حضرت اباالفضل العباس(ع) بروید». تاجر ایرانی در عالم رؤیا در حالی که به تندی باران می‌بارید، به محضر قمر بنی‌هاشم(ع) مشرف می‌شود و شکایت خویش را با ایشان در میان می‌گذارد، حضرت عباس(ع) در پاسخ فرمودند: «خداوند متعال فرشتگانی دارد که تعداد قطره‌های باران را می‌دانند و حساب می‌کنند و می‌گویند: ما بر شمارش قطرات باران توانا هستیم، ولی هرگز توان شمارش ثواب حتی یک تاول از پای سید محمود شاهرودی و سید باقر بادکوبه‌ای را نداریم».

در قاب خاطرات

جلوه‌هایی از سلوک اجتماعی آیت‌الله حسینی شاهرودی

مثلِ مردم

مرتضی اسماعیلی | آشنایی هر چه بیشتر با عالمان و بزرگان دین و حیات پربرکت آنان، مددکار آدمیان در پیمودن راه کمال و رستگاری و رسیدن به قرب و رضوان الهی است. در یادآوری زندگی عالمان بزرگ شیعه، حکمت‌ها و اندرزهایی برای انسان امروز و آینده نهفته است که این ذکر و یادآوری، ما را در صعود به قله‌های معرفت و کمال یاری می‌دهد. در این بخش به چند جلوه از زندگی پربرکت آیت‌الله حسینی شاهرودی(ره) نگاهی می‌اندازیم. متن این خاطرات - با اندکی تلخیص و ویرایش - برگرفته از کتاب «مردی از جنس آفتاب» است که توسط کنگره نکوداشت آیت‌الله حسینی شاهرودی تنظیم و منتشر شده است.

■ مرجع متواضع

نخستین باری که خدمت آیت‌الله رسیدم چیزی که بسیار توجه من را جلب کرد سادگی و ساده‌زیستی آن مرد بزرگ بود. استفتایی را بردم منزل حاج آقا؛ منزلی محقر و ساده. حدود ۲۰ دقیقه خدمت ایشان بودم. استفتا را دادم و یکسری صحبت و احوالپرسی کردند. این ساده‌زیستی خیلی توجه من را - که در اوایل جوانی بودم - جلب کرد. نکته بعدی بی‌آلایشی ایشان بود. ایشان وقتی از طرف حرم به سمت منزل می‌آمدند، در آنجا یک لبنیاتی بود به‌نام لبنیاتی سیف‌الله؛ گاهی آنجا می‌ایستادند و دوغ می‌خوردند؛ به نظرم این کمال سادگی بود. این‌گونه نبودند که بگویند من مرجع تقلید هستم و از این حرف‌ها. (به نقل از آیت‌الله مددی)

■ منزل اجاره‌ای

منزل آیت‌الله العظمی شاهرودی در نجف اشرف در محله «حویش» پشت مدرسه بزرگ آخوند خراسانی در کوچه بن‌بستی به‌نام مرشد قرار داشت. در این خانه حیاطی بود که دو اتاق در اجاره ایشان بود. این دو اتاق در دوطبقه بود و خانواده هشت نفری ایشان در اتاق پایین زندگی می‌کردند. اتاق بالا مخصوص میهمانان و روضه‌خوانی بود که گنجایش پذیرایی بیش از ۱۰ نفر را نداشت. منزلی کوچک و محقر با اتاق‌های تو در تو.

■ عالم ذوالشهادتین

اعتماد میرزای نائینی به آیت‌الله العظمی شاهرودی تاحدی بود که شاگردان را برای آزمون اجتهاد نزد ایشان می‌فرستاد و گواهی ایشان را به منزله دو شهادت به شمار می‌آورد. با اینکه مرحوم نائینی به سخت‌گیری و حساسیت مربوط به اعلمیت افراد در اجازه اجتهاد مشهور بود، اگر مرحوم شاهرودی در موضوعی شهادت می‌داد، میرزا بر اساس آن، حکم صادر می‌فرمود.

■ لطافت طبع

آیت‌الله شاهرودی چون پدر روحانی و مهربان ما بودند؛ اگر از ایشان می‌خواستیم به ما کمک کند هیچ عیبی و عاری برای ما نبود و اگر می‌خواستند بگویند کاری دارم و باید بروم آن‌قدر با ملایمت و مهربانی می‌گفتند که لذت می‌بردیم. (از خاطرات آیت‌الله قزوینی)

■ قلب رئوف

گاهی از کوچه‌ای که می‌گذشتند اگر می‌دیدند کودکی گریه می‌کند، توقف می‌کردند و با آن بچه مهربانی و ملاطفت می‌کردند تا آرام شود. مرحوم شاهرودی هرگاه در مجلسی حاضر می‌شدند تک تک حاضران را مورد توجه و سلام و احوالپرسی قرار می‌دادند. به‌گونه‌ای که اگر کسی به دلیلی متوجه سلام مرحوم آقا نمی‌شد، ایشان منتظر می‌ماندند تا آن شخص متوجه شده، پاسخ گوید و سپس به دیگران اشاره می‌کردند.

■ آقای خمینی باید حفظ شود

تمام تأکیدات آیت‌الله العظمی شاهرودی این بود که به ثمر رسیدن نهضت اسلامی به زنده بودن امام خمینی است. بنابراین همیشه می‌گفتند آقای خمینی باید حفظ شود تا نهضت ادامه پیدا کند. بر همین اساس سال ۴۲ شاه می‌خواست ایشان را اعدام کند ولی بر اساس قانون اساسی اعدام مراجع تقلید ممنوع بود. آیت‌الله شاهرودی تلگرافی به شاه زدند و تأکید کردند حق ندارید ایشان را اعدام کنید. در نهایت شاه از اعدام امام صرف‌نظر کرد.

■ از روضه نمی‌توانم بگذرم

ایشان به شرکت در مجالس روضه امام حسین(ع) مقید بودند. بسیار اتفاق می‌افتاد در مسیر حوزه، اگر به مجلس روضه اباعبدالله برمی‌خوردند ابتدا در روضه شرکت می‌کردند و بعد به حوزه علمیه می‌رفتند. می‌فرمودند: نمی‌توانم از جایی که مجلس عزای سیدالشهدا(ع) برپاست، بگذرم.

■ کار دست او است

مقطعی بود که یک ماه پولی برای شهریه و نان و داروخانه و مصارف حوزه علمیه نرسیده بود؛ نانوایان و بقیه مرتب پیغام می‌دادند احتیاج به پول داریم. آیت‌الله سید علی شاهرودی خدمت ایشان رسیدند و خیلی مضطرب اظهار کردند هیچ پولی نداریم و وضعیت سخت شده است. آقا فرمودند: «به من ربطی ندارد. خود حضرت حجت وضع مرا می‌داند. کار دست ایشان است». نیمه‌های شب بود که در منزل به صدا در آمد و پیرمردی با لهجه محلی گفت با سید کار دارم؛ وارد منزل شد، دست آقا را بوسید و مبلغ ۱۴هزار دینار تقدیم آقا کرد. بعد مرحوم آقا به ما فرمودند: نگفتم ما صاحب داریم.

■ خارجی‌ها هیچ‌وقت مصلحت ما را نمی‌خواهند

ایشان به مناسبت‌های مختلف به فرزندان و شاگردان خود می‌فرمودند: این خارجی‌ها و اجانب هیچ‌گاه مصلحت مسلمانان را نمی‌خواهند؛ فقط به دنبال منافع خودشان هستند. رابطه ما کشورهای کوچک با آن‌ها مثل رابطه گوسفند با گرگ است.

■ فقط ۱۰ دینار داریم!

در روز وفات مرحوم آقا فقط ۱۰ دینار در منزل موجود بود. به حرم مطهر امیرالمؤمنین(ع) رفتم و روبه‌روی ضریح ایستادم و گفتم: یا امیرالمؤمنین نزد مرحوم فقط همین مبلغ موجود بود که آن را تبدیل به ربع دیناری کرده و بین فقرا تقسیم کردیم. مرحوم آقا روزی که وفات کردند مبلغ ۲۵هزار دینار بابت پول نان، داروخانه و... بدهکار بودند. (به نقل از آیت‌الله سیدعلی شاهرودی)

■ کرامت آیت‌الله

پدرم نماینده آیت‌الله شاهرودی در تهران بود. پس از آنکه ایشان از دنیا رفت یکی از اقوام پدرم را در خواب ملاقات و به ایشان عرض کرد آیا با رسول الله ملاقات داشته‌اید؟ ایشان فرموده بودند: یک مرتبه این توفیق نصیبم شد که آن هم با واسطه آیت‌الله شاهرودی صورت گرفت. (به نقل از آیت‌الله سیدمحسن خرازی)

■ در عرصه سیاست

نقل است هرگاه به مرحوم آیت‌الله شاهرودی خبر می‌رسید یکی از افراد سیاسی از حکومت عراق یا حکومت ایران نزد ایشان می‌آید به بهانه‌ای آن محل را ترک می‌کردند تا مجبور نباشند در مقابل این‌گونه افراد بلند شوند. همیشه پس از ورود آنان وارد اتاق می‌شدند و برای مدتی آنان را سرپا نگه می‌داشتند و گاهی برای کوچک شمردن جایگاه حکومتی آنان با عصایشان به آن‌ها اشاره می‌کردند.

برش

سفارشات پدر

مهم‌ترین سفارشات ایشان به اعضای خانواده خواندن نمازها در اول وقت، مراعات حجاب، رعایت محرم و نامحرم، سفارش به درس خواندن، مداومت بر زیارت عاشورا و جامعه کبیره، زیارت حرم امیرالمؤمنین و شرکت در روضه‌ها بود. صبح‌های پنجشنبه همیشه در منزل ما روضه برپا بود. (به نقل از دختر آیت‌الله حسینی شاهرودی)

تفقه في الدين، فان الفقهاء ورثة الانبياء

در دین، فقیه شو زیرا که فقیهان وارثان پیامبرانند.

برش

چرا احترام نکردی؟

خدمت ایشان نشسته بودیم که یکی از رفقا وارد شد. من هم بدون اینکه به احترامش از جا بلند شوم سلام کردم. پدر فرمودند: چرا بلند نشدی و احترام نکردی!؟ گفتم از دوستان نزدیکم است. فرمود: نه بابا جان، «بین الاحباب تثبت الادب» و گفتند هر چقدر هم صمیمی هستید احترام هم را نگه دارید. (به نقل از آیت‌الله سیدعبدالهادی شاهرودی)